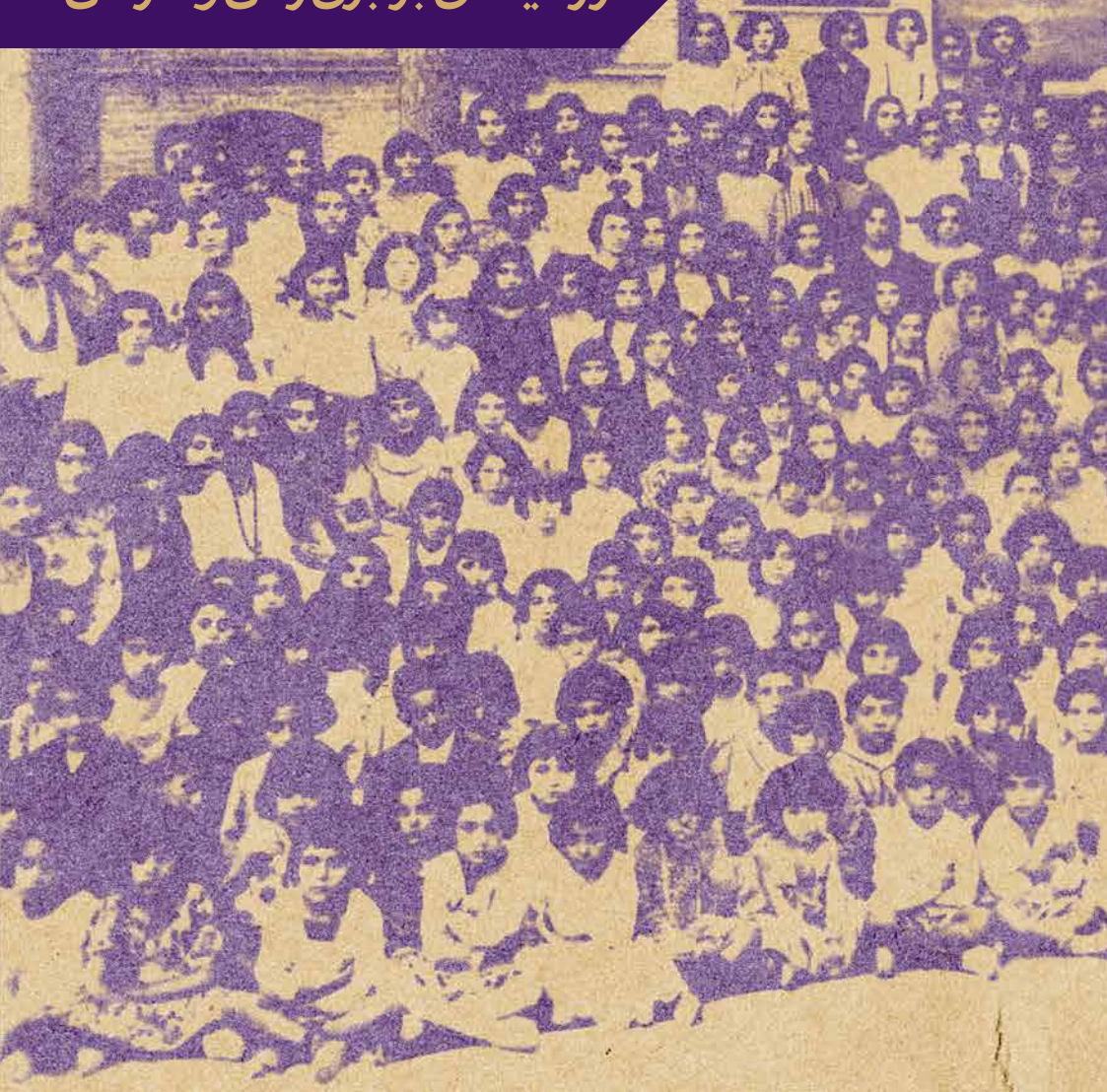
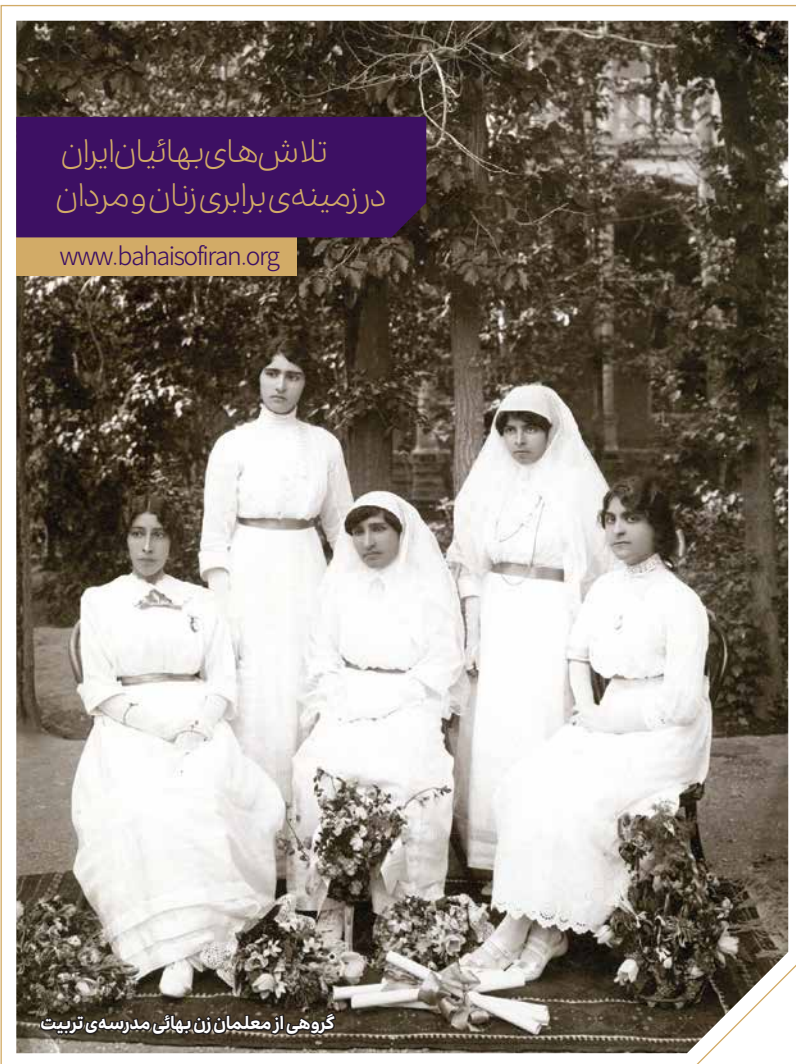


# تلاش‌های بهائیان ایران در زمینه‌ی برابری زنان و مردان





ویرایش اول: شهریور ۱۴۰۲

ما انا هم  
بکھتاؤ

۴ مقدمه

۷ بخش اول  
مفهوم برابری زنان و مردان در دیدگاه بهائی

۱۳ بخش دوم  
سازوکاری برای به عمل در آوردن اصل برابری زنان و مردان

۲۱ بخش سوم  
سیر تاریخی تلاش‌های بهائیان برای پیاده‌سازی اصل برابری زنان و مردان در ایران

۴۷ تصاویر و توضیحات





بهائیان، آثار حضرت بهاء الله و تعالیم دیانت بهائی را برای زندگی در دنیای امروز مفید و راه‌گشا یافته‌اند و معتقدند که به کار بستن این تعالیم و اصول، عاملی مؤثر در به دست آوردن یک زندگی هدفمند آمیخته با سرور، رضایت درونی و معنویت است. بهائیان، همچنین تعالیم دیانت بهائی را راهنمای ساختن دنیایی بدون خشونت، ظلم و تبعیض و جهانی سرشار از صلح، امنیت، رفاه و سرور می‌دانند.

حضرت بهاء الله در یکی از بیانات خود، همگان را تشویق می‌کنند که به موضوعات مهم و ضروری اجتماعی بپردازند. ایشان بیان می‌کنند: «امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید.»

از این رو سهیم شدن در فرایند پیشرفت و تغییر اجتماعی، بخشی جدایی ناپذیر از باور دینی و اعتقادی بهائیان است. به باور آن‌ها خدمت به هم‌نوعان و تلاش برای دستیابی به خیر عمومی و پرداختن به رشد فکری و معنوی فردی، جنبه‌های تفکیک‌ناپذیر یک فرایند واحد هستند.


بهائیان ایران مانند بهائیان سراسر جهان از همان نخستین سال‌های آشنایی با آموزه‌های حضرت بهاء الله نسبت به بینش ایشان در مورد دستیابی بشر به تمدنی جهانی عشق و تعهد

عمیق دارند و همواره می‌کوشند درک روبه‌رشد خود را از این آموزه‌ها در عمل به کار گیرند و قدم به قدم زمینه‌ها و بسترهای مورد نیاز تحقق این اصول را در زندگی شخصی و خانوادگی خود و محیط اطرافشان فراهم کنند.

بهائیان تلاش‌هایشان برای بهبود اجتماع را یک فرایند یادگیری می‌دانند و می‌کوشند به شکلی سیستماتیک، چگونگی به عمل درآوردن آموزه‌های حضرت بهاء الله مانند یگانگی نوع انسان، برابری جنسیتی و صلح عمومی را در زندگی فردی و جمعی خود بیاموزند. در این مسیر، جامعه‌ی بهائی بدون ادعای برتری و کمال و در نهایت فروتنی، بینش‌هایی که کسب کرده، تجربیات و یادگیری‌هایش را در همکاری با دیگران به اشتراک می‌گذارد.

متنی که در ادامه آمده است تلاش دارد درک رو به رشد و اقدامات جامعه‌ی بهائیان ایران را از زمان شکل‌گیری این آیین برای دستیابی به برابری زنان و مردان - یکی از آموزه‌های اصلی حضرت بهاء الله - در یک سیر تاریخی، بازتاب دهد.

این متن در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول دیدگاه و بینش دیانت بهائی درباره‌ی برابری زنان و مردان و اهمیت و لزوم آن را شرح می‌دهد. این بینش مبنای اقدامات بهائیان ایران در زمینه‌ی دستیابی به برابری زن و مرد بوده است. بخش دوم به سازوکاری که جامعه‌ی بهائی برای به عمل درآوردن درک رو به رشدش از این اصل در پیش گرفته است اشاره می‌کند. بخش سوم نگاهی مختصر به سیر تاریخی تلاش‌های بهائیان از دوران حضرت باب تا دوران معاصر دارد.



بخش اول:  
مفهوم برابری زنان و مردان  
در دیدگاه بهائی



سیزدهمین کانفرنس بین‌المللی جامعه‌ی بهائی، حیفای، آوریل ۲۰۲۳

بهائیان معتقدند نوع انسان، پس از عبور از دوران کودکی، اکنون در آستانه‌ی بلوغ جمعی خود قرار دارد و برای حرکت به سوی یک تمدن جهانی متحد و هماهنگ توانمندی بالقوه دارد؛ تمدنی که به تمامی نوع انسان از هر نژاد، قوم، دین و جنسیت تعلق دارد، به عدالت، بهروزی و رفاه مادی و معنوی برای همگان آراسته است و اصل یگانگی نوع انسان به عنوان حقیقتی معنوی در آن جلوه‌گر خواهد شد. بر اساس آثار بهائی، برابری زنان و مردان، از اعتقادات زیربنایی اصل یگانگی نوع انسان و یکی از مهم‌ترین اصول مورد نیاز برای

ساخت این تمدن است. از دیدگاه آیین بهائی، برای فراهم آمدن رشد و توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی و برقراری صلح که لازمه و سنگ بنای یک جامعه‌ی متحد جهانی است، ضروری است که زنان بتوانند با اصل برابری، در همه‌ی جنبه‌های زندگی، حاضر شوند. حضرت بهاءالله برابری حقوق زن و مرد را شرط به وجود آمدن وحدتی وسیع‌تر میان همه‌ی انسان‌ها می‌دانند، وحدتی که سعادت و امنیت تمام نوع بشر را تأمین می‌نماید. بیت العدل اعظم<sup>۱</sup> تأکید می‌کند که «رفع موانع ترقی اجتماعی زنان شرطی اساسی

برای احیا و اعتلای هر ملت و رکنی از ارکان صلح عمومی و عاملی بنیادی برای پیشرفت تمدن بشری است.»<sup>۲</sup> با این وجود، برای بهائیان اصل برابری زنان و مردان صرفاً یک آرمان و ایده‌آل اجتماعی و یا وضعیتی که برای خیر عمومی باید به آن دست یافت نیست، بلکه حقیقتی معنوی و جهان‌شمول در ذات خلقت و جنبه‌ای از ماهیت نوع انسان است. در این زمان که نوع بشر در آستانه‌ی دوران بلوغ جمعی خود قرار دارد، حقیقت برابری در پرتو ظهور حضرت بهاءالله آشکارتر شده است. حضرت بهاءالله می‌فرماید: «اناث

و ذکور عندالله واحد بوده.» آثار بهائی بیان می‌کنند که حقیقت وجود انسان، روح اوست که عاری از جنسیت، نژاد، قومیت و طبقه است. طبیعی است که تفاوت‌های جسمی و ظاهری که بین زن و مرد وجود دارد، بر چگونگی کسب تجربه‌ی آن‌ها از جهان اثر می‌گذارد، اما کرامت و شرافت ذاتی انسانی و آنچه نوع انسان را انسان کرده است، در زن و مرد یکسان است. همه‌ی انسان‌ها چه زن و چه مرد، از توانمندی‌های بالقوه‌ی مشترکی برخوردارند مانند: توانایی عشق ورزیدن، خلق کردن، استقامت کردن و در

۲ - پیام ۳۱ خرداد ۱۳۸۷ بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان ایران

۱ - شورای حاکم‌هی بین‌المللی دیانت بهائی



نشست‌های مختلفی به میزبانی جوامع بهائی در سراسر جهان با موضوع اصول مشورت و برابری جنسیتی



سمیناری درباره‌ی برابری زنان و مردان، برگزارشده توسط دفتر روابط عمومی بهائیان هندوستان، سال ۲۰۱۹

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: «عالم انسانی را دو بال است. یک بال رجال یک بال نساء. تا دو بال متساوی نگردد، مرغ پرواز ننماید. اگر یک بال ضعیف باشد، پرواز ممکن نیست. تا عالم نساء متساوی با عالم رجال در تحصیل فضائل و کمالات نشود، فلاح و نجاج چنان‌که باید و شاید ممتنع و محال.»<sup>۳</sup>

همچنین لازم است مفاهیم و پیش-فرض‌هایی همچون هویت و قدرت بازتعریف شوند و تغییرات بنیادین در تار و پود ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و حکمروایی از سطوح محلی تا بین‌المللی شکل گیرد. در پرتوی چنین درکی از مفهوم برابری، مشخص است که تأثیرات و نتایج اصل برابری زنان و مردان فقط محدود به زنان نیست بلکه مردان، نهاد خانواده و در حقیقت کل جامعه نیز از اثرات این برابری بهره برده و همه‌ی جوانب زندگی فردی و جمعی انسان به شکلی مثبت متحول می‌شوند.

۳ - مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۰۷

ایفای نقش به‌حق زنان در نظم اجتماعی فعلی دارد. هدف غایی آن خلق نظم اجتماعی مبتنی بر عدل و انصاف است، ساختاری که به همگان اجازه‌ی رشد و شکوفایی دهد. برای رسیدن به این هدف، باید زنان و مردان بتوانند تمام استعداد و توانمندی ذاتی خود را در عرصه‌های مختلف زندگی به کار گیرند، دوشادوش یکدیگر و با کمک هم در بستر خانواده، کار، جامعه و امور بین‌الملل تلاش کنند تا یک نظم اجتماعی جدید و عادلانه بسازند، بدون آن که محدودیت و نابرابری جنسیتی وجود داشته باشد. بنابراین تغییر و تحول همه‌جانبه هم در ذهن و هم در قلب همگان، چه زن و چه مرد لازم است.

جستجوی معنا و هدفی برای زندگی و اجتماع بشری بودن. بنابراین هیچ یک نمی‌تواند ادعای برتری بر دیگری داشته باشد. انکار برابری جنسیتی، در حقیقت بی‌عدالتی نسبت به نیمی از جمعیت جهان است که موجب می‌شود زنان از پرورش استعداد‌های ذاتی خود و فعالیت پایه‌پای مردان در زمینه‌های گوناگون بازمانند و البته هیچ دلیل موجه اخلاقی یا بیولوژیکی برای این نابرابری وجود ندارد. چنین تأکیدی دلالت‌های ضمنی عمیقی برای سازمان‌دهی هر جنبه از اجتماع انسانی دارد. بنابراین برابری و هدف از آن فراتر از دستیابی به مطالبات و حقوق برابر است و هدفی والاتر از ایجاد فضایی برای

بخش دوم:  
ساز و کاری برای به عمل در آوردن  
اصل برابری زنان و مردان







گروهی از زنان و دختران بهائی، سیسان، ۱۳۵۹ ه.ش

تبدیل آرمان برابری زنان و مردان به واقعیت نیازمند تغییرات زیربنایی فکری و فرهنگی است. این تغییرات باید هم در سطح فردی صورت پذیرد و هم در ساختارهای گوناگون اجتماعی و البته این تغییرات به هیچ وجه کار آسانی نیست. در جامعه‌ی بهائی دستیابی به این هدف و تحقق اصل برابری زنان و مردان به تدریج و در نسل‌های متمادی پی‌گیری می‌شود. در آیین بهائی طبقه‌ی پیشوایان دینی و روحانیون وجود ندارد و متون مذهبی توسط طبقه‌ای خاص تفسیر نمی‌شود و طبقه‌ای خاص وظیفه‌ی هدایت فکر و عمل جامعه را به عهده ندارد. بر این اساس تلاش برای درک

بهتر اصول و آموزه‌های بهائی از جمله برابری زنان و مردان و نحوه‌ی به عمل درآوردن آنها، موضوعی است که بهائیان چه فردی و چه جمعی به طور مستمر در فعالیت‌ها و مشورت‌هایشان آن را بررسی می‌کنند. آثار و آموزه‌های حضرت باب و حضرت بهاء‌الله و شرح، توضیح و هدایت‌های جانشینان ایشان، حضرت عبدالبهاء، شوقی افندی و بیت العدل اعظم در دوران مختلف به بهائیان سراسر جهان کمک کرده است تا به مرور درک خود را از این اصل بنیادین و دلالت‌های آن در زندگی فردی و جمعی خود و نیز در ساختارهای اجتماع، توسعه دهند.

این درک رو به افزایش به مرور در یک فرایند یادگیری از طریق تلاش‌های افراد، جوامع و موسسات بهائی در سراسر جهان به اجرا درآمده است. در دیدگاه بهائی، افراد، جوامع و موسسات، سه شرکت‌کننده‌ی فعال در پیشبرد تحولات اجتماعی هستند. هر یک از آن‌ها ظرفیت، مسئولیت و نقش خاص خود را دارند. لازم است روابط سازنده، حمایت‌گر و هماهنگ در میان این سه شرکت‌کننده جایگزین الگوهای قدیمی تضاد، رقابت و سلطه شود تا این روابط بتوانند به شکل‌گیری اجتماعی پویا و متحد کمک کنند و پیشرفت تمدن را امکان‌پذیر سازند. مثالی

از این نوع روابط زندگی بخش را در بدن انسان می‌توان دید که در آن سلول‌ها و اندام‌های مختلف با شکل‌ها و عملکردهای متنوع در هماهنگی با هم، هر یک نقش خود را در حفظ سلامت و رشد بدن ایفا می‌کنند.

بهائیان ایران مانند بهائیان نقاط دیگر جهان، بر اساس چنین فهم روبه‌رشدی از نقش و عملکرد هر یک از این سه شرکت‌کننده‌ی فعال، از همان نخستین سال‌های آشنایی با آموزه‌های حضرت بهاء‌الله با عشق و تعهد عمیق نسبت به بینش ایشان در مورد مسیری که بشر برای دستیابی به تمدنی جهانی و پیشرفت



گروهی از بهائیان، بابل

مشارکت آنان در فرایندهای اجتماعی به مرور ساختار یافتند و به شکلی منظم و هماهنگ در سراسر ایران به اجرا درآمدند. بر اثر تلاش‌ها و مشارکت افراد، جامعه و موسسات بهائی، وضعیت زنان بهائی که در زمان شکل‌گیری این آئین تفاوت اندکی با سایر زنان ایرانی داشت با گذشت چند دهه، پیشرفت چشمگیری حاصل کرد. نقطه‌ی تمرکز جامعه‌ی بهائی در مسیر دستیابی به برابری، بیشتر بر توانمند شدن زنان از طریق فراهم آوردن فرصت‌های آموزشی، متمرکز بود، اما ارتقای جایگاه زنان و رسیدن به حقوق برابر در خانواده و ازدواج، مشارکت زنان در ساختارهای اداری

چندین برابر می‌شود؛ اختیار فرد و اراده‌ی جمعی در هم می‌آمیزد و روحیه‌ی عمل و نوآوری در میان اعضا تقویت می‌شود. در این میان موسسات و وظیفه دارند به تلاش‌های جمعی ساختار دهند، وحدت بینش و عمل را میان اعضا ترویج کنند، منابع را منصفانه اختصاص دهند و به طور کلی امور را اداره نمایند. در اوایل قرن بیستم زمانی که ساختارهای اداری و موسسات بهائی برای اداره‌ی امور جوامع بهائی در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی در سراسر جهان به تدریج شکل می‌گرفتند و تثبیت می‌شدند، تلاش‌های جمعی برای رفع موانع ترقی زنان و

کرده بود، کنار بگذارند و برای هر چه بهتر فهمیدن و به عمل درآوردن اصل برابری و سایر آموزه‌های حضرت بهاءالله، برای بهبود شرایط اطرافشان پیوسته در تلاش و تکاپو باشند. اقداماتی که برای افزایش توانمندی‌های زنان و آماده‌سازی زمینه‌ی مشارکت بیشتر آن‌ها در فرایندهای جامعه انجام می‌شد، مورد تشویق و حمایت جامعه‌ی بهائی بود و به تدریج قوت می‌گرفت. زمانی که هدف یک جامعه، تلاش برای بهبود شرایط اجتماعی و حصول خیر عمومی است، آن جامعه تبدیل به محیطی می‌شود که قدرت اعضایش به واسطه‌ی اقدامات هماهنگ،

مادی و معنوی در پیش دارد، در هر زمان تلاش کرده‌اند درک خود از برابری زنان و مردان را به عمل در بیاورند و قدم به قدم زمینه‌ها و بسترهای مورد نیاز آن را در زندگی شخصی یا خانوادگی خود و محیط اطرافشان فراهم کنند. این تلاش‌ها در سال‌های نخست به صورت فردی و پراکنده صورت می‌گرفت. اما در اواخر قرن نوزدهم با شکل‌گیری تدریجی جامعه‌ی بهائی در ایران، اراده و عزمی همگانی، بهائیان را بر آن داشت که تعصبات و آداب و رسوم تبعیض‌آمیز گذشته را که در تار و پود ساختارهای فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشور رسوخ



گروهی از زنان بهائی، همدان، حدود سال ۱۳۳۰ ه. ش

تلاش کنند؛ برای درک عمیق‌تر و بیشتر اصل برابری زنان و مردان بکوشند و سعی نمایند این اصل را بیش از پیش در زندگی خانوادگی و حیات جمعی خود منعکس سازند.


در بخش سوم این متن، نحوه‌ی حرکت جامعه‌ی بهائی ایران در این مسیر شرح داده می‌شود و نمونه‌هایی از هدایت‌ها، تلاش‌ها و اقدامات انجام شده و دستاوردها از آغاز تاریخ دیانت بهائی تا زمان حال ارائه می‌شود.

دستاوردی در هر مقطع زمانی علاوه بر آنکه خود ارزشمند شمرده شده، زمینه را برای گام‌ها و موفقیت‌های بعدی نیز فراهم کرده است. این تجربیات و یادگیری‌های به دست آمده از طریق موسسات بهائی، میان بهائیان ساکن در شهرها و روستاهای مختلف ایران و حتی جوامع بهائی مختلف در سراسر جهان مبادله شده است.

بهائیان ایران بر این نکته آگاهند که دستیابی به برابری، محدود به این کوشش‌ها نیست و همچنان باید برای تغییر افکار، نگرش‌ها، سنت‌ها و عادت‌های رفتاری که مانع پیشرفت زنان می‌شود

سنتی خود تلقی می‌کردند، کم کرد. از سوی دیگر این تلاش مداوم به تدریج به پرورش قابلیت و بالا بردن سطح توانمندی و آگاهی افراد، جامعه و موسسات بهائی در ایران و سایر نقاط جهان کمک کرده است. حضرت عبدالبهاء، حضرت شوقی افندی و بیت العدل اعظم، در این مسیر، متناسب با شرایط خاص هر دوره، بر اساس تلاش‌های انجام شده و توان‌مندی‌های کسب شده، این سه شرکت‌کننده‌ی فعال را همراهی کرده‌اند و به پرورش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آنان پرداخته‌اند تا هرچه بیشتر و موثرتر بتوانند نقش منحصر به فردشان را بر عهده بگیرند. به این ترتیب هر یادگیری و

بهائی و در فعالیت‌های اجتماعی در صحنه‌ی شهر و کشور، رفع محدودیت و ممنوعیت‌ها در مورد حضور زنان در اجتماع و معاشرت با مردان و حق انتخاب نوع پوشش و ... از دیگر زمینه‌هایی بود که بهائیان در آن‌ها به پیشرفت‌هایی دست یافتند. تدریجی بودن تلاش‌ها برای پیاده‌سازی اصل برابری در طی چندین دهه، به جامعه‌ی بهائی زمان کافی داد تا به تدریج، عرف و ارزش‌های جامعه و افراد بهائی در مورد برابری تغییر کند. این رویکرد همچنین احتمال واکنش منفی از طرف متعصبین مذهبی که آموزه‌های بهائی و تلاش‌های بهائیان را خطری برای ارزش‌های



بخش سوم:  
سیر تاریخی تلاش‌های بهائیان  
برای پیاده‌سازی اصل  
برابری زنان و مردان در ایران



طرحی منسوب به طاهره قره‌العین



دستخط طاهره قره‌العین

نشان از تغییر در نقش اجتماعی زنان در ایران داشت. بسیاری حضور طاهره در گردهمایی بدشت را در سال ۱۲۲۷ ه.ش (۱۸۴۸ میلادی) نقطه‌ی آغاز جریان آزادی-خواهی زنان ایرانی می‌دانند. در دوران رسالت حضرت باب البته زنان ایرانی دیگری نیز بودند که از آموزه‌های جدید الهام گرفته و از قید و بند سنت‌هایی که مانع ایفای نقش اجتماعی آن‌ها می‌شد، رهیدند. حضرت بهاءالله (۱۱۹۶-۱۲۷۱ ه.ش / ۱۸۱۷-۱۸۹۱ میلادی) برابری همه‌ی انسان‌ها را در آثار خود اعلام کردند و به طور خاص در مورد برابری زنان و مردان اشاره کردند که

۴ - از جمله‌ی این زنان می‌توان به زینب، ملقب به "رستمعلی" اشاره کرد. این زن به دفاع از بایانی برخاست که به دلیل سرکوب‌های دولتی در قلعه‌ی علیمراد خان، محاصره شده بودند. با سایر زنان بانی زنجان که همگام با همسرانشان از آیین جدید دفاع می‌کردند مانند عنبر خانم ملقب به ام اشرف، همچنین گروه دیگری از زنان برجسته‌ی ایرانی از طریق طاهره به حضرت باب ایمان آوردند و با شجاعت و تسلط بر امور دینی، آشکارا به نشر آیین بانی پرداختند از جمله‌ی این زنان می‌توان به بی‌بی کوچک ملقب به ورقه‌الفردوس (خواهر ملاحسین بشروی، نخستین مومن به حضرت باب) و خورشید بیگم ملقب به شمس‌الضحی اشاره کرد.

دوران، حضور یک زن- طاهره قره‌العین- در زمره‌ی ۱۸ پیرو اولیه‌ی حضرت باب و حمایت ایشان از طاهره در مقابل اتهامات و اعتراضات بی‌پایه و اساسی بود که به علت فراتر رفتن او از هنجارها و نقش‌های سنتی معمول برای زنان در آن زمان علیه او مطرح می‌شد. طاهره در زمانی که فعالیت‌های مربوط به بهبود اوضاع اجتماعی زنان در برخی از نقاط جهان، تازه در حال شکل گرفتن بود، شجاعانه برای آزادی زنان قیام کرد. او نمادی بود از توانایی، استقلال و رهبری زنان و فعالیت‌هایش برای نخستین بار

چنین بستر و پیش‌زمینه‌ی فرهنگی بود که حضرت باب و حضرت بهاءالله، در آثارشان چارچوبی کلی برای تحول ارزش‌های بشریت و نوع نگاه به زنان مطابق با اصل برابری انسان‌ها ایجاد کردند و قوانین و احکامی در تناسب با این اصل ارائه دادند. حضرت باب (۱۱۹۸-۱۲۲۹ ه.ش / ۱۸۱۹-۱۸۵۰ میلادی) در آثار خود اعلام کردند که خداوند تفاوتی میان زنان و مردان قرار نداد. ایشان در اثر برجسته‌ی خود، «کتاب بیان» در چند مورد تغییرات اساسی در احکام اجتماعی مربوط به زنان ایجاد کردند از جمله ممنوعیت ازدواج موقت و مجاز دانستن معاشرت و گفتگوی زنان و مردان بابتی با یکدیگر. یکی از جلوه‌های نگاه برابر به زنان در این

در آغاز تاریخ بهائی و دوران رسالت حضرت باب و حضرت بهاءالله (سال‌های ۱۲۲۳-۱۲۷۱ ه.ش / ۱۸۴۴-۱۸۹۲ میلادی) هنوز نشانه‌هایی از جنبش آزادی‌خواهی زنان در ایران و بسیاری از نقاط دیگر جهان وجود نداشت. در ایران و جامعه‌ی سنتی دوران قاجار، زنان از نظر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جایگاهی نداشتند و دارایی مردان به حساب می‌آمدند. امکان سوادآموزی و کسب علم برای آنان بسیار محدود و حوزه‌ی فعالیت‌هایشان به خانه‌داری و بچه‌داری محدود می‌شد. در اسناد تاریخی دوران قاجار مثال‌های فراوانی از وضعیت تحقیرآمیز زنان در رابطه با ازدواج و حقوق اجتماعی‌شان و نحوه‌ی فاجعه‌بار رفتار با آن‌ها یافت می‌شود. در

نزد خداوند میان زن و مرد تفاوتی وجود ندارد و این دو مقامی یکسان دارند. بازتاب این برابری را در احکام دیانت بهائی می‌توان دید. این احکام هم در زندگی شخصی و خانوادگی و هم در نقش‌های اجتماعی، موقعیت‌های برابر برای زنان و مردان فراهم می‌کنند. برای مثال در دیانت بهائی ازدواج رابطه‌ای برابر دیده می‌شود، احکامی همچون منع ازدواج موقت، آزادی انتخاب همسر، تعیین حداقل سن یکسان برای ازدواج دختران و پسران، تفویض حق طلاق به زنان، علاوه بر مردان و محدود کردن حق بلاشرط مردان در طلاق دادن همسرشان از نمونه‌های دیگر این احکام هستند. حضرت بهاء‌الله حکم ناپاک بودن زنان در دوران عادت ماهیانه از نظر شرع را که در ادیان قبل رایج بود برداشتند و همچنین نحوه‌ی پوشش را، هم برای زن و هم برای مرد به اختیار افراد واگذاشتند. حضرت بهاء‌الله همچنین در کتاب احکام خود «کتاب اقدس»، آموزش دختران و پسران را از وظایف اجباری والدین ذکر کردند. این آموزه، شالوده‌ای برای توان‌افزایی و پرورش استعدادها و توانمندی‌های زنان برای حضور و نقش‌آفرینی در اجتماع، فراهم ساخت و در دهه‌های بعد، اساس اقدامات بهائیان در زمینه‌ی تأسیس مدارس دخترانه در ایران قرار گرفت. حضرت بهاء‌الله همچنین در نوشته‌ها و نامه‌هایشان خطاب به زنان و

دختران بهائی توانایی‌ها و استعدادهای بالقوه‌ی آن‌ها را ستوده و آن‌ها را به داشتن نقشی فعال در انتشار پیامشان در جامعه و کسب علم و دانش تشویق می‌نمودند. اسنادی که از مورخان و مستشرقان اروپایی از اواخر قرن نوزدهم در دست است، نشان می‌دهد که بهائیان از همان سال‌های اولیه در تلاش بودند تا درک خود از اصل برابری زنان و مردان را تا جایی که شرایط محیط و امکاناتشان اجازه می‌داد در عمل پیاده نمایند. برای نمونه، بهائیان در پاسخ به حکم «کتاب اقدس» در زمینه‌ی آموزش دختران، در روستاها و شهرهای مختلف، متناسب با امکاناتشان، مکتب‌خانه‌هایی برای آموزش دختران و پسران ایجاد کرده بودند از جمله مکتب‌خانه‌هایی که حدود سال ۱۲۵۰ ه.ش (۱۸۷۰ میلادی) و حتی قبل از آن برای دختران در قزوین و مازندران توسط بهائیان این مناطق تأسیس شد. در سال‌های پایانی قرن نوزدهم و دو دهه‌ی اول قرن بیستم (از سال ۱۲۷۰ تا ۱۳۰۰ ه.ش)، در سراسر جهان، زنان هنوز در همه‌ی عرصه‌های فردی و اجتماعی، جایگاهی بسیار فرودست و نابرابر با مردان داشتند. در بیشتر جوامع خاورمیانه، تعداد کمی از زنان سواد داشتند و بیشتر اوقاتشان در خانه می‌گذشت. ازدواج اجباری و زود هنگام دختران رایج بود. زنان حق رأی نداشتند و نمی‌توانستند در

فرآیندهای مختلف اجتماع، مشارکت کنند و با وجود بعضی فعالیت‌های حق‌طلبانه، عموم زنان پذیرای این تسلیم و نابرابری بودند. در ایران، در اوایل قرن بیستم همزمان با جنبش مشروطه، گروه‌های کوچکی از زنان برای اولین بار از خانه‌ها بیرون آمدند و در اعتراض‌های ملی و سیاسی مشارکت کردند. این اعتراض‌ها کم‌کم به اعتراض، علیه نابرابری تبدیل شد. اما حرکت‌های زنان به رغم اهمیت آن، نحیف و کم‌اثر بودند و چندین دهه طول کشید تا زنان ایران بتوانند اولین امتیازات حقوقی و اجتماعی را به دست آورند. زمانی که حضرت عبدالبهاء (۱۲۲۳-۱۳۰۰

ه.ش / ۱۸۴۴-۱۹۲۱ میلادی) هدایت جامعه‌ی بهائی را بر عهده داشتند، جامعه‌ی بهائی ایران با جدیت و تمرکز بیشتری توانست در مسیر کسب توانمندی‌های لازم برای پیشرفت به سوی برابری قدم بردارد. حضرت عبدالبهاء در توضیح اصل برابری در آثار بهائی بیان کردند که زنان باید در تمامی عرصه‌های اجتماع فعال شوند. ایشان، نابرابری زنان و مردان در طول تاریخ را به دلیل فرودستی ذاتی زنان نمی‌دانستند بلکه یکی از دلایل اصلی آن را نبود فرصت و کاستی در آموزش زنان، بیان می‌کردند. حضرت عبدالبهاء همواره اصل حفظ وحدت و حرکت تدریجی به سوی تغییرات را مد نظر داشتند و بیان



حضرت عبدالبهاء و گروهی از بهائیان، شیکاگو ۱۹۱۲



گروهی از دانش‌آموزان یک مدرسه‌ی روستایی در اصفهان، حدود سال ۱۳۱۰ ه.ش

در این نامه توضیح داده شده بود که بر پدر و مادر واجب است که در زمینه‌ی تربیت پسران و دختران خود بیشترین سعی و تلاش را به کار بندند، علوم و هنرها را به آن‌ها بیاموزند و هیچ تفاوتی میان تربیت دختران و پسران نگذارند. حتی تاکید شده بود که آموزش دختران مهم‌تر از آموزش پسران در نظر گرفته شود، زیرا دختران مادران آینده و نخستین مربیان نسل بعد خواهند بود. این نامه که به توصیه‌ی حضرت عبدالبهاء چاپ و در سراسر کشور در سطح گسترده‌ای در داخل جامعه‌ی بهائی توزیع شده بود،

می‌رفتند با معنا و هدف آموزه‌های حضرت بهاء‌الله بیش از پیش آشنا می‌شدند و فعالیت‌ها و اقدامات‌شان برای عمل به این آموزه‌ها، از جمله اصل برابری مورد تشویق قرار می‌گرفت و نیز راهنمایی دریافت می‌کردند. در این برهه مطابق با آثار حضرت بهاء‌الله و به واسطه‌ی هدایت‌های حضرت عبدالبهاء، نقش آموزش در پیشرفت زنان بیش از پیش مورد توجه جامعه‌ی بهائی قرار گرفت. در سال ۱۹۰۶ میلادی حضرت عبدالبهاء نامه‌ای خطاب به جامعه‌ی بهائی در مورد اهمیت آموزش کودکان نگاشتند.



گروهی از شاگردان پیش‌دبستانی مدرسه‌ی دخترانه‌ی تربیت، سال ۱۳۰۲ یا ۱۳۰۹.

بپردازند، از نظر اخلاقی الگوی دیگران باشند، از خود حکمت و معرفت نشان دهند و در خدمت به ایران بکوشند. این مکاتبات در سطح وسیع و با زنان و مردان بهائی در شهرها و روستاهای کوچک و بزرگ در نقاط مختلف ایران صورت می‌گرفت و نقشی اساسی در افزایش آگاهی و توجه به اهمیت موضوع برابری و لزوم تلاش برای دستیابی به آن داشت. علاوه بر این مکاتبات، زمانی که حضرت عبدالبهاء در تبعید<sup>۵</sup> بودند، بهائیان که به ملاقات ایشان

می‌کردند که پیشرفت زنان و فعالیت‌های آنان نباید منجر به بروز اختلاف با مردان شود زیرا جامعه برای حرکت به سوی برابری، نیازمند وحدت و تلاش همزمان زنان و مردان است. افزون بر این، ایشان در مکاتبات گسترده‌ای که با بهائیان ایران داشتند، دلالت‌های مختلف اصل برابری زنان و مردان را شرح می‌دادند، به افکار جهت‌جدیدی می‌بخشیدند و زنان را تشویق می‌کردند تا نقشی فعال‌تر در جامعه داشته باشند، به کسب علم

۵ - حضرت عبدالبهاء از سال ۱۸۵۲ میلادی زمانی که کودکی ۹ ساله بودند به همراه حضرت بهاء‌الله و سایر اعضای خانواده از ایران به بغداد، استانبول، ادرنه و عکا تبعید شدند. این تبعید هرگز بازگشتی در پی نداشت و ایشان اکثر سال‌های عمر خود را در زندان و تبعید گذراندند.



شاگردان مدرسه‌ی روستایی دخترانه، سیسان (آذربایجان شرقی)، حدود سال ۱۳۱۱ ه. ش



شاگردان یک مدرسه‌ی دخترانه‌ی بهائی به همراه مدیر مدرسه، ساوه، ۱۳۱۴ ه. ش

خانواده‌های غیر بهائی ترجیح دهند دخترانشان در این مدرسه‌ها تحصیل کنند.<sup>۶</sup> زنان بهائی، خود در شکل‌گیری و اداره‌ی مدارس نوین نقش مهمی داشتند. بسیاری از فارغ‌التحصیلان این مدارس، بعدها به عنوان معلم و مدیر در سایر مدارس شروع به کار نمودند. در دوره‌ای که رایج نبود زن ایرانی هم مادر و هم شاغل باشد، در مدارس دخترانه‌ی بهائیان، مادران ایرانی مشغول به کار بودند. با در نظر گرفتن آزار و اذیت‌ها و بدبینی‌هایی که نسبت به جامعه‌ی بهائی وجود داشت، محدودیت منابع مالی بهائیان و مخالفت سنتی جامعه‌ی ایرانی با آموزش دختران، دستاوردهای بهائیان در

اهمیت آموزش زنان، سوادآموزی و ترویج بهداشت در گوشه و کنار ایران داشتند. برخلاف دیگر مدارس خصوصی، مدرسه‌های دخترانه‌ی بهائی، مختص ثروتمندان نبود و دخترانی از هر طبقه‌ی اجتماعی و هر پیشینه‌ای می‌توانستند در آن‌ها ثبت‌نام کنند. در این مدرسه‌ها آموزش دروس علمی و تربیت اخلاقی در کنار هم صورت می‌گرفت و بر خلاف آنچه آن زمان متداول بود، دختران و پسران، درس‌های یکسانی را می‌گذراندند. همین موضوع باعث شده بود مدارس دخترانه‌ی بهائیان، دروسی متفاوت از سایر مدارس دخترانه داشته باشد. سطح بالای علمی و تربیت اخلاقی این مدارس باعث شده بود که بسیاری از

هنگام حدود ۳۰۰۰ فارغ‌التحصیل داشتند. البته اهمیت مدارس دخترانه‌ی بهائیان، تنها به دلیل تعداد دانش‌آموزان و فارغ‌التحصیلان‌شان نبود. در بسیاری از روستاها یا شهرهای دورافتاده‌ی کشور مدارس بهائیان تنها مدرسه‌های دخترانه‌ی موجود در یک ناحیه بودند و در دیگر موارد تعداد قابل‌توجهی از دانش‌آموزان دختر یک محل را به خود اختصاص می‌دادند. در بسیاری از نقاط، تجربه‌ی مدارس بهائی باعث تأسیس مدارس دولتی شد یا حتی در برخی موارد، مدارس بهائی بعدها تبدیل به مدارس دولتی شدند. از آنجایی که مدارس دخترانه‌ی بهائی در سراسر کشور گسترده بودند نقش مهمی در ارتقای آگاهی در مورد

سرآغازی بر تلاش‌های بهائیان در زمینه‌ی تأسیس مدارس گردید. بهائیان اولین مدرسه‌ی نوین دخترانه‌ی خود را به نام «تربیت بنات» در قزوین در سال ۱۲۸۸ ه. ش (۱۹۰۹ میلادی) افتتاح کردند در زمانی که هنوز هیچ مدرسه‌ی دولتی دخترانه‌ای در ایران مشغول فعالیت نبود. با گذشت زمان، تعداد این مدارس دخترانه به سرعت افزایش یافت، تا جایی که در سال ۱۳۱۲ ه. ش (۱۹۳۳ میلادی) تعداد مدارس دخترانه‌ی بهائی در سراسر ایران به بیش از ۲۰۰ مدرسه رسیده بود که در مجموع حدود ۱۵۰۰ دانش‌آموز از دختران بهائی و غیربهائی در آنها مشغول تحصیل بودند و از زمان تأسیس تا آن

۶ - در میان دانش‌آموختگان این مدارس نام بسیاری از افراد سرشناس ایرانی به چشم می‌خورد از جمله ستاره فرمانروایان (مادر مددکاری ایران).

۶ - بهائیان ایران از سال ۱۲۶۰ ه. ش (۱۸۸۰ میلادی) مدرسه‌هایی مطابق سبک مکتب‌خانه‌ها که در آن زمان رایج بود تأسیس کرده بودند اما نخستین مدرسه‌ای که بهائیان به شکل مدرسه‌ی مدرن تأسیس کردند در سال ۱۲۷۹ ه. ش (۱۹۰۰ میلادی) بود.





لوا گتسینگر، از اولین زنان بهائی آمریکاه که به درخواست حضرت عبدالبهاء برای دادخواهی بهائیان ایران با مظفرالدین شاه قاجار و صدراعظم او در پاریس ملاقات کرد.



بهائیه خانم، خواهر حضرت عبدالبهاء در دوران سفر سه‌ساله‌ی ایشان به مصر، اروپا و آمریکا اداره‌ی جامعه‌ی بهائی را بر عهده داشت.



دکتر سوزان مودی همراه با تعدادی از زنان بهائی ایرانی، حدود ۱۲۹۰ ه. ش.

اوایل قرن بیستم، این بود که حضرت عبدالبهاء در جایگاه رهبری، بر خلاف آنچه آن زمان رواج داشت مسئولیت‌های مهم و دشوار را به زنان می‌سپردند و توفیق‌ها و دستاوردهای آنان را به صورت عمومی مورد تشویق قرار می‌دادند. برای مثال، در دوره‌ی سه‌ساله‌ی سفرشان به مصر، اروپا و آمریکا (۱۹۱۰ - ۱۹۱۳ میلادی) هدایت و رهبری جامعه‌ی بهائی را در غیاب خود به خواهرشان، بهائیه خانم سپردند. در طول این مدت، بهائیه خانم به کلیه‌ی امور بهائیان رسیدگی می‌کردند. یکی از دیگر نمونه‌ها ملاقات لوا گتسینگر، از اولین زنان بهائی آمریکا با مظفرالدین شاه قاجار و صدراعظم او، به قصد دادخواهی برای

کم‌رنگ‌تر کرد. تلاش‌های این زنان غربی از جمله خانم‌ها دکتر سوزان مودی (پزشک زنان و از موسسان مدارس دخترانه‌ی بهائی)، لیلیان کاپس (مدیر مدرسه‌ی دخترانه‌ی تربیت) و دکتر سارا کلاک (پزشک و از معلمان مدرسه‌ی دخترانه‌ی تربیت) در طی دهه‌ها باعث شد هم زنان بهائی ایرانی نسبت به توانایی‌های خود - در حیطه‌هایی که قبلاً به دلیل سنت‌های رایج در ایران مردانه تصور می‌شد - مطمئن‌تر شوند و هم مردان بهائی متوجه توانایی‌های زنان و نیاز به تغییر نگاه سنتی خود نسبت به آن‌ها شوند. یکی دیگر از نمونه‌های عینی تجسم اصل برابری زنان و مردان در جامعه‌ی بهائی

که در زمینه‌هایی همچون پزشکی، پرستاری و معلمی کار می‌کردند و تلاش‌ها و اقداماتشان مورد تشویق و حمایت حضرت عبدالبهاء بود. مشارکت آنان در فرآیندهای توسعه‌ی کشور در عمل به جامعه‌ی ایرانی نشان داد که زنان در صورت وجود فرصت تحصیل و کار می‌توانند توانایی‌هایی برابر با مردان داشته باشند، همپای آن‌ها در جامعه حضور یابند و به پیشرفت آن کمک کنند و بی‌آنکه معیارهای اخلاقی زیر پا گذاشته شود با مردان در تماس باشند. بدین ترتیب فعالیت‌های اجتماعی این زنان غربی، موانع ذهنی‌ای را که در مورد مشارکت زنان در اجتماع، میان بهائیان وجود داشت

مورد مدارس دخترانه‌ی بهائی بسیار چشمگیر بوده است. این مدارس توانستند با تشویق روشنفکری و فراهم آوردن آموزش و پرورش برای دختران از هر طبقه‌ی اجتماعی، اثری مثبت و ماندگار بر جامعه‌ی ایرانی باقی بگذارند. با پیشرفت تلاش‌های بهائیان ایران در زمینه‌ی آموزش و طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، گروهی از زنان بهائی غربی به پیشنهاد حضرت عبدالبهاء برای کمک به جامعه‌ی بهائی در تلاش‌هایشان برای توسعه‌ی اجتماعی کشور به ایران مهاجرت کردند. این گروه از زنان که از سال ۱۲۸۸ ه. ش (۱۹۰۹ میلادی) به بعد به ایران نقل مکان کردند، همه زنان مجردی بودند



قدسیه اشرف

بهائیان ایران بود که به درخواست حضرت عبدالبهاء صورت گرفت. نمونه‌ی دیگر، مدیریت ساخت معبد بهائی شیکاگو بود که بزرگ‌ترین پروژه‌ی ساختمانی جامعه‌ی بهائی در دوره‌ی خود به شمار می‌رفت و حضرت عبدالبهاء، مدیریت ساخت آن را به کورین ترو بانوی بهائی آمریکایی سپردند. حضرت عبدالبهاء هنگام نهادن سنگ بنای همین معبد در سال ۱۹۱۲ میلادی (۱۲۹۱ ه.ش)، در حرکتی نمادین و فرهنگ‌ساز، بیله‌چ را به دست زن جوان بهائی ایرانی، قدسیه اشرف (نخستین زن ایرانی که با تشویق و تأیید حضرت عبدالبهاء برای

تحصیلات دانشگاهی به آمریکا رفته بود) دادند تا او به نمایندگی از زنان ایران در شکل‌گیری این بنای تاریخی سهمی داشته باشد. هر چند در مورد پیشرفت‌های بهائیان در زمینه‌ی برابری زنان و مردان در دهه‌های اول شکل‌گیری این جامعه، نباید اغراق کرد و نمی‌توان ادعا کرد که بهائیان از اثرات نظام مردسالاری در ایران به طور کامل در امان بودند اما نشانه‌های واضحی وجود دارد که با عملی شدن تدریجی احکام و اصول بهائی، بهائیان از هنجارهای اجتماعی معمول که زنان را در مقامی

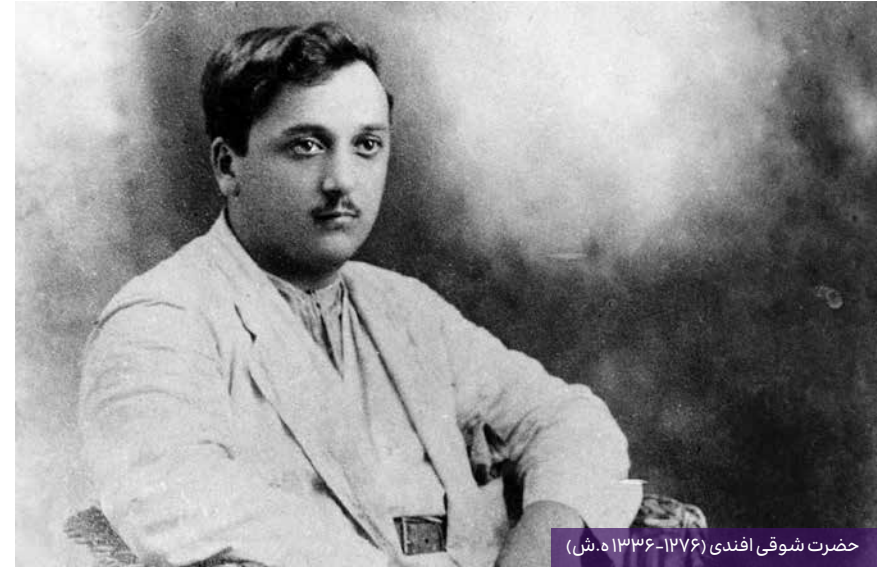
فرودست قرار می‌داد فاصله گرفتند. زنان بهائی در دوران حضرت بهاءالله و عبدالبهاء، دغدغه‌ی انتشار آیین جدید و آشنا ساختن ایرانیان با آموزه‌های بهائی، مسئله‌ی آموزش و ترقی جایگاه زنان هم در داخل جامعه‌ی بهائی و هم در اجتماع ایران را داشتند.<sup>۸</sup> آن‌ها جلسات و گروه‌هایی مخصوص زنان در شهرها و روستاهای مختلف برگزار می‌کردند که در برخی از آن‌ها در مورد اصول و باورهای بهائی و نحوه‌ی معرفی این آیین به سایر ایرانیان صحبت می‌شد و برخی دیگر هدفشان ارتقای مقام زنان یا اقدامات نوع‌دوستانه، همچون کمک به زندانیان یا جیره‌بندی و توزیع غذا در زمان قحطی بود. به علاوه، به علت آزار و اذیت‌هایی که علیه جامعه‌ی بهائی وجود داشت بسیار پیش می‌آمد که مردان بهائی، زندانی یا کشته می‌شدند و زنان، مسئولیت اداره‌ی امور خانواده و حتی در مواردی جامعه‌ی محلی خود را به عهده می‌گرفتند. گاهی نیز در روستاها یا شهرهای کوچک به این دلیل که زنان، تحصیلات بالاتری از سایر مردان آن جامعه داشتند مسئولیت اداره‌ی جامعه به آنان واگذار می‌شد.

برخی از مهم‌ترین پیشرفت‌ها در زمینه‌ی برابری در جامعه‌ی بهائی از دهه‌ی سوم قرن بیستم به بعد با تأسیس موسسات بهائی در ایران از جمله شوراهای اداری محلی و ملی بهائی (محفل‌های محلی و ملی) صورت گرفتند. نظام اداری جامعه‌ی بهائی و موسساتش که اساس آن توسط حضرت بهاءالله تعیین شده بود در دوران حضرت شوقی افندی به سرعت در سراسر جهان تکامل یافت. با شکل‌گیری این شوراها در ایران، تلاش‌های جامعه‌ی بهائی برای فهم و به عمل درآوردن اصل برابری زنان و مردان روش‌مندتر و منظم‌تر شد و از فعالیت‌های خودجوش و پراکنده، تبدیل به برنامه‌های یکپارچه و سراسری در میان بهائیان ایران گردید. انتخابات شوراهای بهائی برای نخستین بار در سال ۱۳۰۲ ه.ش (۱۹۲۳ میلادی)، در ایران صورت گرفت. زنان بهائی از همان ابتدای تشکیل موسسات بهائی در ایران، همزمان با مردان حق رای در انتخابات این شوراهای اداری بهائی را داشتند اما عضویت آن‌ها در این شوراها به دلیل موانعی از جمله جو فرهنگی حاکم که حضور زنان و مردان را در کنار هم در فضاهای مشترک برنمی‌تافت،

۸ - از جمله زنان برجسته‌ی این دوره می‌توان به فائزه خانم (فاطمه سلطان بیگم) اشاره کرد، او سبب آشنایی تعداد زیادی از زنان و مردان در کاشان، اصفهان و نجف‌آباد با آیین بهائی شده بود. به علاوه او در تهران به بهائینی که به دلیل اعتقادانشان در زندان بودند کمک می‌کرد، برای آن‌ها لباس و مواد غذایی می‌برد و برای آزادی آن‌ها فعالیت می‌کرد. وی همچنین برای ارتقای جایگاه زنان، بسیار کوشید از جمله در سال ۱۲۹۵ ه.ش (۱۹۱۶ میلادی) بهائیان کاشان را تشویق کرد تا مدرسه‌ای دخترانه تأسیس کنند و خود در آنجا به تدریس مشغول شد یا در ۱۲۹۹ ه.ش (۱۹۲۰ میلادی) وقتی نیروهای بولشویک وارد رشت شدند به عنوان نماینده‌ی جامعه‌ی بهائی آن شهر در مذاکرات پیچیده با رهبر بولشویک‌ها حضور داشت. طاهره خانم (۱۲۴۴- ۱۲۹۰ شمسی) (۱۸۶۵-۱۹۱۱ میلادی) - از دیگر زنان سرشناس بهائی، شاعر و نویسنده و از جمله افرادی بود که برای تغییر شرایط زنان کوشش می‌کرد. او در خانه‌اش مجالس زنانه برای دختران شاه و همسران درباریان برگزار می‌کرد و آن‌ها را در جریان دیدگاه‌های برابری خواهانه در مورد وضعیت زنان قرار می‌داد، برای روزنامه‌ها مقالاتی با موضوع آزادی و ترقی زنان می‌نوشت و در تأسیس مدارس دخترانه و رفع حجاب اجباری برای زنان کوشا بود.



لجنه‌ی (کارگروه) ترقی نسوان، کرمان، حدود سال ۱۳۱۵-۱۳۲۰ ه. ش



حضرت شوقی افندی (۱۲۷۶-۱۳۳۶ ه. ش)

ارائه‌ی کلاس‌های مخصوص زنان از سوادآموزی و تکمیل سواد گرفته تا کلاس‌های سطح متوسطه و عالی با موضوعاتی همچون تاریخ و آموزه‌های بهائی بود که در گوشه و کنار ایران برگزار می‌شد. از سال دوم این طرح، هر سال در اواخر فروردین، نمایندگان لجنه‌های ترقی نسوان از سراسر ایران برای شرکت در یک گردهمایی ملی با عنوان «انجمن شور روحانی اماءالرحمن» در تهران جمع می‌شدند و با یکدیگر در مورد یادگیری‌ها و پیشرفت‌هایشان مشورت می‌کردند. یکی از اقدامات این انجمن انتشار نشریه‌ای مخصوص زنان بود که نخستین شماره‌ی آن در سال ۱۳۲۷ ه. ش منتشر شد. شوراهای اداری بهائی همچنین برای

سال ۱۳۱۴ ه. ش) توسط زنان و مردان اداره می‌شد و مطابق نیازهای محلی، برنامه‌هایی را برای سوادآموزی یا ارتقای سواد و افزایش اطلاعات بانوان ارائه می‌دادند. زنان علاوه بر عضویت در «لجنه‌ی ترقی نسوان»، در سایر فعالیت‌های جامعه‌ی بهائی از جمله در زمینه‌ی آموزش و پرورش، امور خیریه و ترویج دیانت بهائی نیز حضور فعال داشتند. در سال ۱۳۲۵ ه. ش (۱۹۴۶ میلادی) «لجنه‌ی ملی ترقی نسوان» طرحی چهارساله، برای رشد و ترقی زنان بهائی ایران تهیه کرد که از سال ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰ ه. ش در جریان بود. از جمله محتویات این طرح برگزاری جلسات و گردهمایی‌هایی با موضوعات مختلف برای زنان و دختران و

شوراهای اداری بهائی تازه تأسیس را تشویق کردند تا تدوین برنامه‌هایی برای پیشرفت زنان را در اولویت‌های خود قرار دهند و هر یک برای تشویق و آموزش و ارتقای جایگاه زنان و دختران هیئت مخصوصی را تشکیل دهند. بدین ترتیب بود که گروه‌هایی با هدف توان‌افزایی زنان با عنوان «لجنه‌های ترقی نسوان» ابتدا در سراسر کشور در سطح محلی و پس از چند سال در سطح ملی شروع به کار کردند. این گروه‌ها در ابتدا توسط خود زنان و پس از مدتی با رفع موانع حضور زنان و مردان در فضاهای مشترک (بعد از قانون کشف حجاب در

میسر نبود.<sup>۹</sup> حضرت شوقی افندی از همان ابتدا به بهائیان ایران اطمینان دادند که به زودی شرایط عضویت زنان در این شوراهای اداری فراهم خواهد شد و جامعه را تشویق کردند تا به تجهیز و آماده‌سازی شرایط برای حضور هر چه موثرتر زنان در جامعه بپردازند. ایشان در نامه‌ای که در ۱۳۰۲ ه. ش (۱۹۲۳ میلادی) خطاب به بهائیان ایران نوشتند، ترقی و تشویق زنان برای کسب تحصیلات مادی و معنوی و خدمت به جامعه و همکاری و همقدمی آنان را با مردان برای پیشرفت و گسترش آئین بهائی از «امور اساسی» اعلان کردند و

۹- در ایران در سال ۱۳۴۱ ه. ش (۱۹۶۲ میلادی) لایحه‌ای به نام انجمن‌های ایالتی و ولایتی توسط دولت به تصویب رسید که به زنان اجازه‌ی شرکت در انتخابات و نامزد شدن برای انتخابات را می‌داد.



اعضای شورای اداری (محفل روحانی) محلی شهسوار (تنکابن)

بودند به تنهایی، راهی نقاط مختلفی شدند که اغلب از نظر فرهنگی و اجتماعی بسیار با آنچه می‌شناختند متفاوت بود. می‌توان تصور کرد چنین تصمیمی در زمانی که وسایل ارتباطی و حتی امکان سفرهای هوایی بسیار محدود و ناکافی بوده است تا چه اندازه به حس عاملیت و هدفمندی قوی از طرف این زنان نیاز داشته است. برخی از این زنان بین نقاط مختلف، حتی بین چند قاره جابه‌جا شدند و اکثراً تا پایان عمر از طریق اقدامات مختلف از جمله عضویت در شوراهای محلی و ملی بهائی، برگزاری کلاس‌های آموزشی و راه‌اندازی یا مشارکت در پروژه‌های عام‌المنفعه به نیازهای مادی و اجتماعی جوامعی که به

حضرت بهاءالله را به مردمان سرزمین‌های دیگر برسانند و مردم جهان را با آموزه‌های بهائی آشنا کنند تا جوامعی مرفه و پویا ساخته شود. جامعه‌ی بهائی به دعوت حضرت شوقی افندی بین سال‌های ۱۳۲۶ تا ۱۳۴۲ ه.ش (۱۹۴۶ تا ۱۹۶۳) برنامه‌هایی در سطح ملی و بین‌المللی برای رشد و گسترش آیین بهائی در دست داشت. برای دستیابی به اهداف این برنامه‌ها، نیاز بود تا اعضای جامعه‌ی بهائی به نقاط مختلف چه در داخل ایران و چه دیگر کشورها و سرزمین‌هایی که آیین بهائی تا آن زمان به آنها راه نیافته بود، مهاجرت کنند. در این راستا، بسیاری از زنان بهائی ایرانی چه همراه با خانواده و چه آن‌ها که مجرد

شوند. در همان سال اول، زنان در ۱۲۰ نقطه در سراسر ایران به عنوان اعضای شوراهای محلی انتخاب شدند و به انتخاب شورای ملی نیز درآمدند. حضرت شوقی افندی در نامه‌ای که در آن سال به بهائیان ایران نگاشتند زنان را تشویق کردند که تنها به این برابری اداری راضی نباشند و در خدمات اجتماعی، به اشتراک گذاشتن پیام حضرت بهاءالله با دیگران و مشارکت در ترویج فرهنگ جدیدی که هدف دیانت بهائی است، فعالانه کوشا باشند. یکی از حوزه‌های نقش‌آفرینی زنان بهائی در سال‌های میانی قرن بیستم (حدود دهه‌ی ۳۰ شمسی) سفرها و مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی آن‌ها بود برای آن که پیام

بهائیان این فرصت را فراهم کردند تا درک عمیق‌تری در مورد آموزه‌ها و احکام بهائی مربوط به برابری زنان و مردان، در بستر خانواده و ازدواج به دست بیاورند. برای مثال، در دهه‌ی ۱۳۳۰ ه.ش (۱۹۵۰ میلادی) با پیاده شدن احکام ازدواج بهائی توسط این موسسات، زنان بهائی از نظر حقوقی در ازدواج و طلاق با مردان به برابری رسیدند. در نهایت در سال ۱۳۳۳ ه.ش (۱۹۵۴ میلادی) با رشد توانمندی‌های زنان در نتیجه‌ی سه دهه تلاش زنان و مردان بهائی، برنامه‌های موسسات بهائی و آماده شدن جامعه از نظر فرهنگی، زنان بهائی ایران توانستند به عنوان اعضای شوراهای اداری محلی و ملی انتخاب



نمابندگان اولین انجمن شور روحانی اماءالرحمن، تهران سال ۱۳۲۷ ه.ش



اعضای لجنه‌ی خدمت (یا لجنه‌ی حقوقی)، تهران حدود ۱۳۱۷ ه.ش

آن مهاجرت کرده بودند ادامه دادند. با تأسیس بیت العدل اعظم در سال ۱۳۴۲ ه.ش (۱۹۶۳ میلادی) روحیه‌ی تلاش و خدمت افراد و جوامع بهائی و قابلیت‌های زنان که با برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات سیستماتیک موسسات بهائی، باورمندی و تلاش خودشان و حمایت و تشویق جامعه در حال رشد و پرورش بود، زنان را بیش از پیش به حضور فعالانه، هم در فضاهای داخل جامعه‌ی بهائی و هم در عرصه‌های مختلف اجتماع ایران برانگیخت. برای مثال در این دوران «لجنه‌ی ملی اماءالرحمن» با هدف پیشرفت زنان بهائی در سرتاسر ایران در زمینه‌ی کسب دانش، انتشار آیین بهائی و فعالیت‌های اجتماعی

تشکیل شد. اهداف و فعالیت‌های این هیئت‌ها را به نوعی می‌توان در ادامه‌ی «لجنه‌های ترقی نسوان» که دهه‌های قبل، فعالیت می‌کردند دانست. از جمله اقدامات این مجموعه که از طریق هیئت‌های محلی در مناطق مختلف ایران صورت می‌پذیرفت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تلاش برای رفع بی‌سوادی، تعمیق دانش در مورد آیین بهائی، تشویق و ترویج تحصیلات دانشگاهی، آموزش حرفه‌های مختلف، تشویق زنان جهت قبول مسئولیت در فعالیت‌های داخل جامعه‌ی بهائی از جمله به عنوان سخنران و مربی و برگزاری دوره‌هایی برای آماده‌سازی آن‌ها در این راستا، تهیه‌ی نشریه‌ای

مخصوص زنان، برگزاری یک گردهمایی ملی با حضور نمایندگان زنان بهائی از سراسر ایران و برگزاری نشست‌هایی مخصوص زنان با هدف آشنایی و ایجاد تفاهم و همکاری زنان بهائی با یکدیگر، درک بهتر اصول بهائی، تبادل افکار و بالا بردن سطح دانش و تجارب زنان هر شهر یا روستا. یکی از نتایج دهه‌ها تلاش جامعه‌ی بهائی که در این دوران به ثمر نشست از بین بردن کامل بی‌سوادی میان زنان بهائی زیر ۴۰ سال در سال ۱۳۵۲ ه.ش بود. این در

حالی بود که در همین تاریخ، تنها ۴۴ درصد زنان ایرانی زیر ۴۰ سال با سواد بودند! پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ه.ش در وضعیتی که دیگر هیچ تقسیم‌بندی جنسیتی در فعالیت‌های جامعه‌ی بهائی وجود نداشت، موج جدید آزار و اذیت‌هایی که بر جامعه‌ی بهائی وارد شد، هم مردان و هم زنان را مورد هدف قرار داد. در جریان دستگیری‌ها و اعدام‌های گسترده‌ی بهائیان در ایران، بسیاری از دختران و زنان بهائی، از سالخورده و جوان، شهری و روستایی تنها به دلیل اعتقادات دینی و خدمات

۱- بسیاری از زنان بهائی این دوره توانستند درجات عالی علمی و فرهنگی را طی کرده و قدم‌های بزرگی در مسیر پیشرفت ایران بردارند از جمله آن‌ها می‌توان به خانم زینوس محمودی (اولین زن هواشناس ایرانی، رئیس سازمان هواشناسی و مدرسه‌ی عالی هواشناسی)، لیلی آهی (بنیان‌گذار و دبیر هیئت مدیره‌ی شورای کتاب کودک و از پیشگامان تربیت مدرن کودک و نوجوان در ایران)، طلعت بصری (نخستین زن معاون دانشگاه در ایران) و... اشاره کرد.

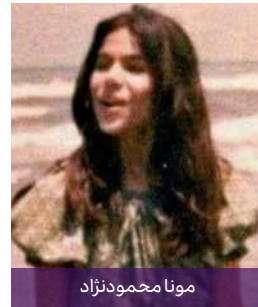
اجتماعی‌شان، دستگیر و یا کشته شدند. تنها در یک مورد در شیراز در خرداد سال ۱۳۶۲ ه.ش، ده زن بهائی به صورت دسته‌جمعی، اعدام شدند و جوان‌ترین آن‌ها «مونا محمودنژاد»، عضو کارگروهی مخصوص برنامه‌های جوانان بهائی و مربی کلاس‌های کودکان بود. او در زمان اعدام تنها ۱۷ سال سن داشت. بسیاری از زنان بهائی با دستگیری همسرانشان، وظایف سنگین مدیریت اقتصادی خانواده را پیش از پیش به عهده گرفتند. این تلاش‌ها در حالی صورت می‌گرفت که فشارهای اقتصادی، نظیر مصادره‌ی اموال، اخراج از شغل، لغو پروانه‌های کسب و کار و دیگر محدودیت‌ها، امرار معاش بهائیان را با مشکلات فراوانی رو به رو ساخته بود. بسیاری از زنان بهائی، علاوه بر آن که به رفع نیازهای مادی و تربیتی خانواده‌ی خود مبادرت می‌کردند، زمینه را برای فعالیت اقتصادی سایر زنانی که در موقعیت‌های مشابه بودند نیز فراهم می‌آوردند. با اخراج دانش‌آموزان و دانشجویان بهائی از مدارس و دانشگاه‌ها، زنان بهائی دوشادوش مردان به دنبال راه‌های خلاقانه‌ای برآمدند تا دانشی را که در سال‌های گذشته آموخته بودند با نسل جدید در میان بگذارند و آموزش‌های علمی را به آن‌ها ارائه دهند. برای مثال، جامعه‌ی بهائی ایران، برای جوانانی که از ورود به دانشگاه محروم شدند، موسسه‌ی علمی

بهائیان، دانشگاهی غیر رسمی را تاسیس کردند که در آن زنان حضور پررنگی چه در مقام استاد و چه دانشجو داشتند. به دنبال تعطیلی کامل موسسات و ساختارهای اداری بهائی ایران در سال ۱۳۶۲ ه.ش، رسیدگی به امور روحانی و اجتماعی چند صد هزار بهائی به شکل غیررسمی از طریق گروه‌های کوچکی از بهائیان در سطح ملی و محلی انجام می‌شد و در این میان نیز زنان، بار دیگر پیش‌تاز اقداماتی در زمینه‌های مختلف، جهت پاسخگویی به نیازهای گوناگون جامعه از جمله آموزش اخلاقی کودکان و نوجوانان، توان‌افزایی جوانان، ترویج هنر و تهیه‌ی برنامه‌هایی جهت تقویت حیات خانواده بودند.

تلاش‌های زنان و مردان ایرانی بهائی برای دستیابی به درجات هر چه بالاتری از برابری چه در زندگی شخصی و خانوادگی و چه در اداره‌ی امور جامعه‌ی بهائی یا مشارکت در اجتماع پیرامون خود، هم‌راستای تلاش‌های میلیون‌ها بهائی در نقاط مختلف جهان بوده است که در بیش از صد هزار نقطه در تمامی کشورها و در سرتاسر جهان برای واقعیت بخشیدن به این اصل اساسی کوشش می‌کنند. یکی از نتایج این نمونه تلاش‌ها را در رشد پیوسته‌ی حضور زنان بهائی، از چند دهه پیش در ساختارهای داخل جامعه‌ی بهائی، که وظیفه‌ی اداره‌ی امور جامعه در



مهشید نیرومند



مونا محمودنژاد



جلالیه مشتعل اسکویی



طوبی زائرپور



طاهره ارجمندی



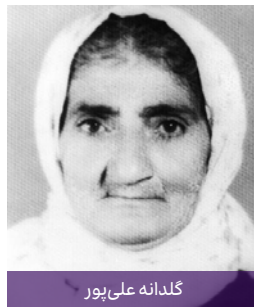
ژینوس محمودی



رویا اشراقی



شیدرخ امیرکیا



گلدانه علی‌پور



سبمین صابری



اولین مراسم فارغ‌التحصیلی دانشگاه علمی بهائیان (BIHE)، آبان ۱۳۷۴

که در تضاد با اصل برابری زنان و مردان است فراهم می‌کند بلکه کودکان و نوجوانان را نیز با درکی صحیح از شرافت انسانی و برابری زنان و مردان بار می‌آورد. فعالیت‌های سازمان‌های الهام گرفته از آموزه‌های بهائی که در راستای توان‌افزایی زنان، اقدام می‌کنند نیز نمونه‌ای دیگر از تلاش‌های جامعه‌ی بهائی برای به عمل درآوردن اصل برابری زنان و مردان است. این سازمان‌ها در نقاط مختلف جهان، طیف وسیعی از فعالیت‌هایی را که به توان‌افزایی اجتماعی و اقتصادی زنان منجر می‌شود برنامه‌ریزی و اجرا می‌کنند.<sup>۱۲</sup> بهائیان متوجه هستند که در بسیاری از موارد، اصلاح قوانین، رویه‌ها و ساختارهای

جوامعی منسجم، ارزش‌ها و روال‌هایی که رابطه‌ی میان زنان و مردان را شکل می‌دهد بسیار اهمیت دارد و نقش زنان در پیشرفت اجتماعی، مورد توجه قرار می‌گیرد. از شیوه‌های سنتی تصمیم‌گیری که اغلب در آن‌ها گروه‌هایی همچون زنان و جوانان به حاشیه رانده می‌شدند فاصله گرفته و هر فردی اعم از زن یا مرد، دارای ظرفیت‌های درونی فراوانی در نظر گرفته می‌شود که توانمندی‌هایش از طریق تربیت و در مسیر خدمت به جامعه شکوفا می‌شود. در کانون چنین تلاشی، یک فرایند آموزشی قرار دارد که نه تنها برای بزرگسالان فرصت کاوش روزمره‌ی منش‌ها و عادت‌های متأثر از فرهنگ‌های قدیمی را



آزمایشگاه میکروبیولوژی، دانشگاه علمی بهائیان (BIHE)، بهار ۱۳۷۵

فعال و پویا تلاش کنند. بهائیان ایران نیز در این تلاش‌ها، همقدم سایر بهائیان در سراسر جهان، کوشا بوده‌اند و نیروی خود را صرف ساخت جوامع محلی‌ای نموده‌اند که در آن، مردان و زنان از هر پیشینه‌ی قومی، فرهنگی و طبقه‌ی اجتماعی، مسئولیت رشد عقلانی، اخلاقی و اجتماعی خود را عهده‌دار شده و تلاش می‌کنند از انفعال و بی‌تفاوتی‌ای که اجتماع بر آن‌ها تحمیل می‌کند، فاصله بگیرند. در این تلاش‌ها، زنان و مردان در جایگاهی برابر، برای ساخت جامعه‌ای ایده‌آل با هم گفتگو می‌کنند و درباره‌ی چگونگی کاربست اصولی همچون یگانگی، عدالت و برابری به مشورت می‌نشینند. در فرآیند ساخت

سطوح مختلف و سامان‌دهی فعالیت‌های متنوع آن را به عهده دارند، می‌توان دید. زنان بهائی در نقاط مختلف جهان در حال حاضر از طریق عضویت در شوراهای اداری (محل‌های) محلی و ملی، نقش مهمی در اداره‌ی امور جامعه‌ی بهائی ایفا می‌کنند. اعضای این موسسات به طور سالانه از طریق انتخابات و توسط رأی زنان و مردان بهائی تعیین می‌شوند.<sup>۱۱</sup> در دهه‌های اخیر، در امتداد برنامه‌های جهانی که از زمان حضرت شوقی افندی برای رشد و تحکیم جامعه‌ی بهائی وجود داشته، بهائیان سرتاسر جهان توسط بیت العدل اعظم هدایت شده‌اند تا در سطح محلی برای ساخت جوامعی سالم،

۱۲ - برای مثال «مرکز عدالت طاهره» در ایالت متحده آمریکا به زنان و دختران مهاجر که قربانی خشونت‌های جنسیتی هستند مشاوره‌ی حقوقی و خدمات اجتماعی رایگان ارائه می‌دهد یا «موسسه‌ی توسعه‌ی بارلی» در هند با برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان، زنان روستایی بی‌سواد یا کم‌سواد را توان‌افزایی می‌کند.

۱۱ - در حال حاضر در ایران هیچ یک از موسسات اداری بهائی در سطوح محلی و ملی وجود ندارند. در سال ۱۳۶۲ ه. ش. دادستان کل کشور در یک اعلان رسمی خواستار تعطیلی تشکیلات اداری بهائی شد که در پی آن جامعه‌ی بهائی ایران جهت نشان دادن حسن نیت خود به دولت فعالیت کلیه‌ی موسسات اداری خود را تا به امروز متوقف کرده است.



بهائیان ایران نیز مانند سایر جوامع بهائی در نقاط مختلف جهان برای برابری جنسیتی تلاش می‌کنند.

تبعیض‌آمیز علیه زنان، مستلزم تغییراتی وسیع‌تر در سطح قوانین ملی و گفتمان. های رایج در یک کشور یا در سطح بین‌المللی است. در سطح ملی، جوامع و موسسات بهائی در کشور خود در حال یادگیری روش‌هایی برای مشارکت در گفتمان برابری زنان و مردان هستند تا از این طریق در افزایش آگاهی و بازتعریف مفاهیم در راستای ترویج برابری زنان و مردان، در نظام‌های آموزشی و ساختارهای حقوقی، موثر باشند. در سطح بین‌المللی نیز دفاتر جامعه‌ی جهانی بهائی که با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، نظیر سازمان ملل متحد، اتحادیه‌ی اروپا، اتحادیه‌ی آفریقا و انجمن ملل آسیای شرقی از نزدیک همکاری دارند در پیشرفت گفتمان جهانی برابری زنان و مردان سهیمند.<sup>۱۳</sup>

امروز بهائیان ایران همچون سایر هموطنانشان، همچنان برای غلبه یافتن بر سنن و فرهنگی که پیشرفت زنان را محدود می‌سازد تلاش می‌کنند.

بیت العدل اعظم در نامه‌ای خطاب به بهائیان ایران در خرداد سال ۱۳۸۷ که

منحصراً در مورد موضوع برابری زنان و مردان و اهمیت رفع موانع پیشرفت زنان در جامعه است از آن‌ها می‌خواهند که به دستاوردهای گذشته‌ی خود قانع نباشند و یادآوری می‌کنند که دستیابی کامل به برابری بین زنان و مردان، کار آسانی نیست و تقلیب و تحول همه‌جانبه هم برای زنان و هم برای مردان لازم دارد. بهائیان ایران همگام با دیگر بهائیان در هر کجای دنیا برای درک عمیق‌تر اصل برابری زن و مرد به کوشش‌های خود ادامه می‌دهند و سعی می‌کنند این اصل را در زندگی خانواده و در فعالیت‌های جامعه‌ی محلی خود بیش از پیش منعکس سازند. آن‌ها مشتاقند تا تجربیات دهه‌ها تلاش خود را در این زمینه با سایر هموطنان دغدغه‌مند در میان گذاشته، درباره‌ی چالش‌ها و راه‌حل‌های موثر برای حرکت به سوی درجات بالاتری از برابری، گفتگو کنند و در برنامه‌ها و پروژه‌هایی که چه از طرف دولت و چه از طرف سازمان‌های مدنی برای رسیدن به این هدف متعالی انجام می‌گیرد مشارکت داشته باشند.

۱۳ - جامعه‌ی جهانی بهائی (BIC) یک سازمان بین‌المللی غیردولتی و دارای مقام مشورتی از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (اگوسوک) و صندوق کودکان سازمان ملل (یونیسف) و نماینده‌ی تمامی شوراهای اداری ملی بهائی سراسر جهان است. این سازمان یکی از شرکت‌کنندگان فعال در بسیاری از کنفرانس‌ها و کمیسیون‌های اصلی سازمان ملل متحد است و به طور مرتب مقالات و بیانیه‌هایی در موضوعات مختلفی از جمله حقوق اقلیت‌ها، مقام زنان، پیشگیری از جرم و ترویج بهروزی کودکان و خانواده منتشر می‌کند. به عنوان مثال در زمینه‌ی برابری زن و مرد، تأکید بر آموزش و پرورش کودکان دختر، منجر به فهم حقیقت و اهمیت این اصل در سطح وسیعی شده است و از آن زمان نیز در سیاستگذاری‌های مربوط به توسعه در سراسر جهان مورد حمایت قرار گرفته است.

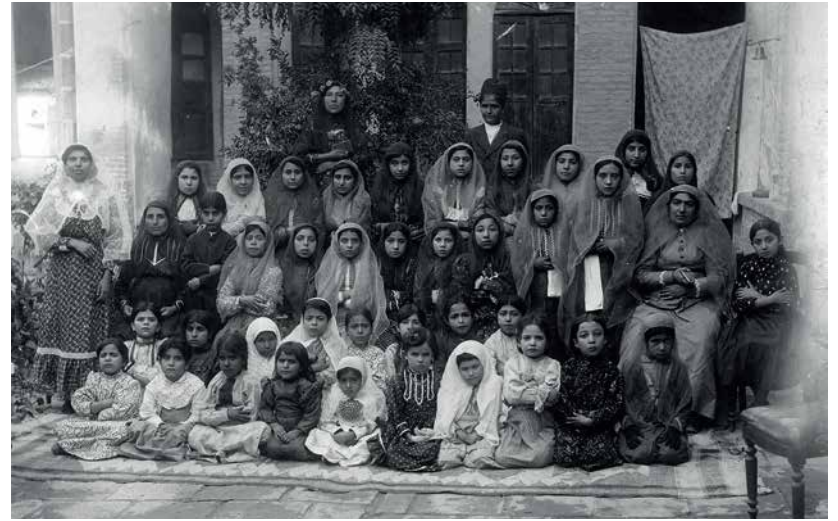


## تصاویر و توضیحات

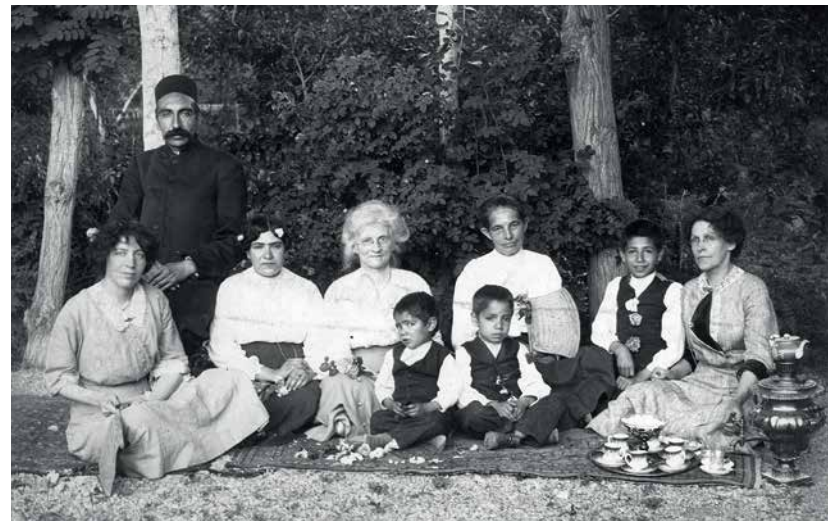




خانم‌های بهائی آمریکائی در تهران  
از راست به چپ: لیلیان کاپس، الیزابت استوارت، سارا کلاک، سوزان مودی



کارکنان و شاگردان مدرسه‌ی دخترانه‌ی بهائی در محله‌ی سر قبر آقا، ۱۳۲۸ هـ ق/ ۱۹۱۰ م  
نشسته در سمت چپ با لباس تیره منیره ایادی است. فردی که در طرف راست او ایستاده قدسیه اشرف است.



خانم‌های بهائی آمریکائی در تهران به همراه علی اکبر روحانی و مجول خانم (دختر طاهره شاعر بهائی) و فرزندان آنها، ۱۹۱۳ م.



گروهی از بهائیان سیستان (آذربایجان شرقی) حدود سال‌های ۱۳۱۴ - ۱۳۱۸ ه. ش



دانش‌آموزان دختر مدرسه‌ی توکل، قزوین، حدود سال ۱۳۰۸ ه. ش



کلاس دختران بهائی، قزوین



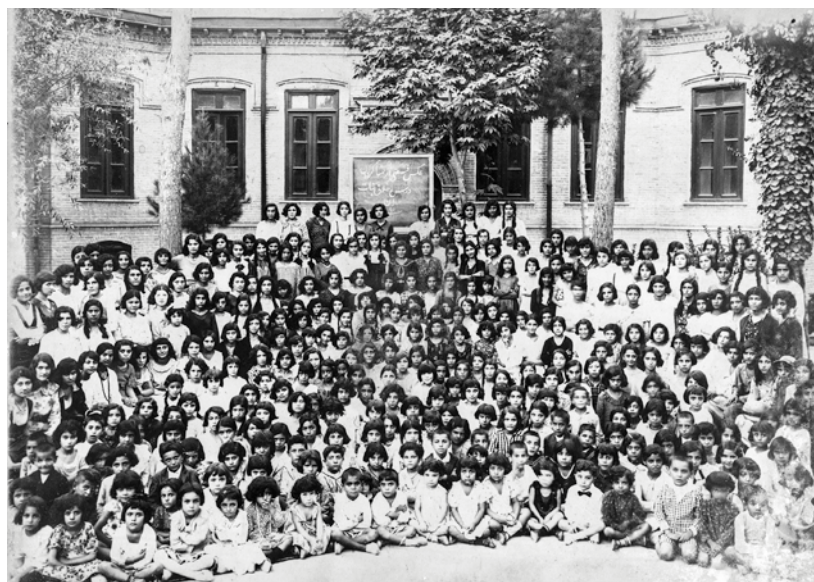
دختران دانش‌آموز کلاس بهائی میرزا محمد لیب در قزوین، آن‌هایی که با علامت X مشخص شده‌اند دانش‌آموزان زبان اسپرانتو هستند.



شاگردان کلاس اول ابتدایی به همراه معلمشان (فائزه خانم)، تهران



شرکت‌کنندگان در کلاس نطق و سخنوری، مدرسه‌ی تربیت، تهران، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۱۲ ه. ش



تعدادی از دانش‌آموزان دختر و پسر کلاس‌های بهائی، تهران، ۲۲ مرداد ۱۳۱۲ ه. ش



چند دختر دانش‌آموز مدرسه‌ی تربیت در تهران



شاگردان یک مدرسه‌ی دخترانه‌ی بهائی به همراه مدیر مدرسه، ساوه، ۱۳۱۴ ه. ش



دختران مدرسه‌ی تربیت، تهران



دانش‌آموزان بهائی



برخی از زنان آمریکایی بهائی که برای ترویج آموزش و توسعه‌ی اجتماعی به ایران نقل مکان کرده بودند: ۱. سوزان مودی، ۲. لیلیان کاپس، ۳. الیزابت استوارت، ۴ و ۵ ناشناخته

This is to request the honor of your company at the Sabriat-el-Basmat School festival to be held (corner) Chahardal-Hasanabad & Ave. Farman Farman, on Saturday, September 20<sup>th</sup> at 7 P. M.  
L. F. Jappes.

ΕΘΔΕ ΣΑΒΡΙΑΛ ΒΑΜΑΤ  
۱۳۲۸  
مدرسه تربیت بنات  
در روز \_\_\_\_\_ شهر ذی حجه برای توزیع تصدیقنامه  
شاگردان کلاس ششم مدرسه تربیت بنات مجلس جشنی در مدرسه  
بین واقع در سر چهار راه حسن آباد منعقد است  
از حضور محترم *Mrs. Draegeol*  
منتفی است سه ساعت قبیل از ظهر روز مزبور قدم رتجه فرموده  
اولای مدرسه را بحضور خویش قرین امتنان فرمایند  
مرحمت فرموده کارت را همراه یادید

کارت دعوت برای شرکت در مراسم فارغ التحصیلی مدرسه‌ی دخترانه‌ی تربیت در ۲۸ شهریور ۱۳۰۹ ه. ش ساعت ۹ صبح



گروهی از شاگردان تربیت بنات از کلاس تهیه تا کلاس ششم. این عکس برای بهائیان آمریکایی که کمک هزینه‌ی تحصیلی برای این شاگردان فراهم کرده بودند گرفته شده است.



یکی از گروه‌های ترقی نسوان، تهران حدود سال ۱۳۲۰ ه. ش



هیئت مدیره‌ی مدرسه‌ی تربیت، تهران، سال ۱۳۱۱ ه. ش



نمایندگان حاضر در اولین انجمن شور روحانی اماء الرحمن، تهران ۱۳۲۷ ه. ش



مربیان زن لجنه‌ی (کارگروه) کودکان همراه با کیت رنسام کهلر، تهران، حدود سال ۱۳۱۲ ه. ش



کورین ترو، یک زن بهائی آمریکایی که حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۰۷ مسئولیت مدیریت ساخت معبد بهائی آمریکای شمالی در ویلمت، ایلنوی را به او سپردند.



اعضای یک شورای محلی در کرمان



کادر تربیت بنات، رمضان ۱۳۳۸ / مه ۱۹۲۰ م.  
نشسته از راست به چپ: روحانیه مدحت (معلم کلاس ششم)، شمس خانم (معلم کلاس اول)، اختر خانم (معلم کلاس ششم)، لیلیان کاپس، وفائیّه مدحت، بتول خانم (معلم کلاس تهیّه) / ایستاده از راست به چپ: درخشنده خانم (معلم کلاس پنجم)، عشرت مدحت (معلم کلاس اول)، کمالیه خانم (معلم کلاس سوم)، بهجت مدحت (معلم کلاس دوم)، تاجما خانم (معلم کلاس چهارم)

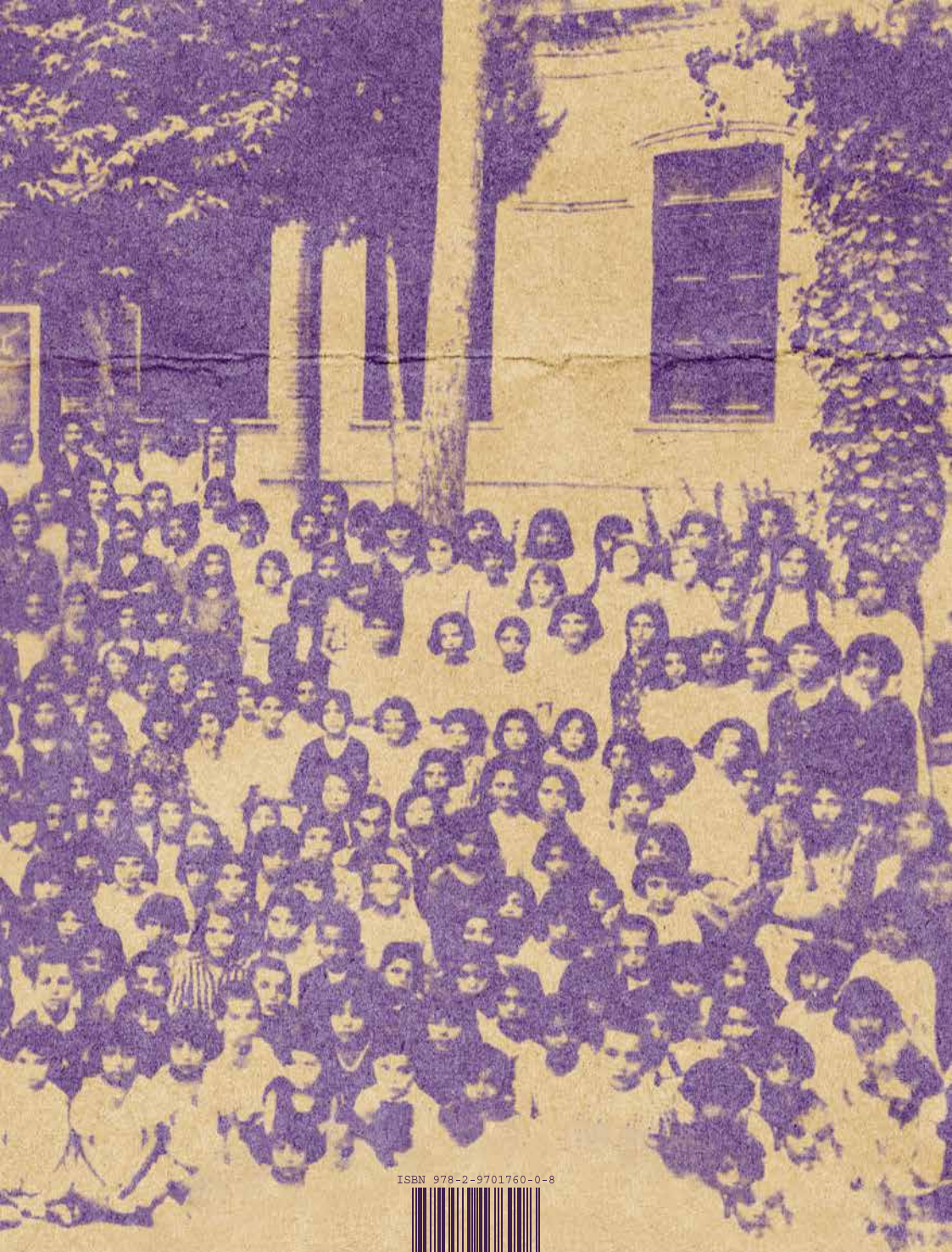




- ارباب، فروغ (۱۹۹۵). اختران تابان جلد دوم. دهلی نو: موسسه چاپ و انتشارات مرآت.
- جامعه‌ی جهانی بهائی (۲۰۱۲). به سوی ریشه‌کن کردن خشونت علیه دختران و زنان. بازیابی‌شده از سایت: <https://www.datocms-assets.com/45616/1636567782-bic20121115towards-the-eradication-of-violence-against-women-and-girlsvp2-1-1-2.pdf>
- جامعه‌ی جهانی بهائی (۲۰۱۵). به سوی گفتمانی جدید در زمینه دین و برابری جنسیتی. بازیابی‌شده از سایت: <https://www.datocms-assets.com/45616/1622551954-.pdf>
- جامعه‌ی جهانی بهائی (۲۰۱۷). به سوی رفاه: نقش زنان و مردان در ساخت یک تمدن جهانی شکوفا. بازیابی‌شده از سایت: [https://www.datocms-assets.com/45616/1655453428-bic-20170313\\_p\\_v\\_1.pdf](https://www.datocms-assets.com/45616/1655453428-bic-20170313_p_v_1.pdf)
- جامعه‌ی جهانی بهائی (۲۰۱۹). ساختن جهانی جدید بی‌آنکه کسی جا بماند. بازیابی‌شده از سایت: <https://www.datocms-assets.com/45616/1636567667-bic20190308creatingtheworldanewpv1-0-0pdf-2.pdf>
- حسین‌خواه، مریم (۱۳۹۶). دستاوردهای جنبش زنان در دوره‌ی مشروطه. آسو، بازیابی‌شده از: <https://rb.gy/mtaqx>
- دوستدار، فرح (۱۳۹۵). مراحل تحوّل نقش زنان در مسیر تاریخ دیانت بهائی از کشف حجاب تا برابری کامل حقوقی. نقطه‌نظر. بازیابی‌شده از: <https://www.noghtenazar.org/node/1442>
- دوستدار، فرح (۱۳۹۶). درآمدتاد قیام طاهره: تحوّل تدریجی نقش زن در جامعه‌ی بانی و بهائی و تأثیر آن بر جنبش آزادیخواهی زنان ایران. نقطه‌نظر. بازیابی‌شده از: <https://www.noghtenazar.org/node/1701>
- ذبیحی‌مقدم، سیامک (۲۰۱۲). آموزش و پرورش دختران در ایران در اوایل قرن بیستم: پژوهشی درباره‌ی یک مدرسه‌ی بهائی. ترجمه‌ی عرفان ثابتی. آسو، بازیابی‌شده از: <https://www.aasoo.org/fa/articles/87>
- راقتی، وحید (۲۰۱۲). فاران حب؛ امر بهائی در فاران. هوفهایم، آلمان: موسسه مطبوعات بهائی آلمان.
- رستم‌کلایی، یاسمن (۲۰۱۳). مدرسه‌ی دخترانه‌ی تربیت‌تهران: مشارکت بهائیان ایرانی و آمریکایی در آموزش مدرن. ترجمه‌ی عرفان ثابتی. آسو، بازیابی‌شده از: <https://www.aasoo.org/fa/articles/88>

- قابل‌آبادهای، آقا میرزا (۲۰۰۷). وقایع امری‌آباده. هوفهایم، آلمان: موسسه مطبوعات بهائی آلمان.
- مالمیری، حاجی محمد طاهر (۲۰۱۳). تاریخ امری یزد. استرالیا: موسسه انتشاراتی سنجر پی‌رس.
- معصومیان، بیژن (۱۳۹۶). بزرگی از تاریخ جنبش زنان ایران در عصر مشروطه: طایره، از تبار طاهره قُرّة‌العین. خبزننامه‌ی گویا. بازیابی‌شده از: <https://news.gooya.com/2017/07/post-5352.php>
- معصومیان، بیژن (۱۳۹۶). نقش بانوان بهائی آمریکائی در بهداشت زنان و تعلیم و تربیت دختران ایران از عصر مشروطه تا دوران رضاشاه. خبزننامه‌ی گویا. بازیابی‌شده از: <https://news.gooya.com/2017/07/post-5352.php>
- میلانی، فرزانه (۱۳۹۲). طاهره قُرّة‌العین: پیش‌گسوتی که سکوت و سکون را نپذیرفت. خبزننامه‌ی گویا. بازیابی‌شده از: <http://news.gooya.com/politics/archives/2014/02/175339.php>
- نیشابوری، هامون (۱۳۹۶). مدارس نوین بهائی. آسو، بازیابی‌شده از: <https://rb.gy/pa51a>
- یزدانی، مینا (۱۳۹۶). برابری در نظریه و عمل. آسو، بازیابی‌شده از: <https://rb.gy/y2on6>
- Brookshaw, P. D. (2010). Instructive Encouragement: The Tablets of Baha'ullah and 'Abdu'l-Baha to Baha'i Women in Iran and India. In D. P. Brookshaw & S. B. Fazel (Eds.). *The Baha'is of Iran Socio-Historical Studies*. (pp 94-49). Routledge.
- Khan, J.(2000). Promoting the Equality of Women and Men: The Role of the Covenant. *The Journal of Baha'i Studies*, 90-71 , (2-1) 10. <https://rb.gy/4ka0w>
- Momen, M (2004). The Role of Women in the Iranian Baha'i Community during the Qajar Period. In R. Gleave. (Ed.), *Religion and Society in Qajar Iran*. (pp 369-346). Routledge.
- Momen, M. (2012). Women iv. in the works of the Bab and in the Babi Movement. In Encyclopædia Iranica. *Online edition, available at: https://www.iranicaonline.org/articles/women-babi*
- Rouhani Ma'ani, B.(1991). The Interdependence of Bahá'í Communities Services of North American Bahá'í Women to Iran. *The Journal of Baha'i Studies* 46-19 , (1) 4. <https://rb.gy/ws593>
- Zabihi-Moghaddam, S. (2013). Promoting the Advancement of Women: Baha'i Schools for Girls in Iran, 35–1909. *Iranian studies*, 305-273 , (2) 46. <https://www.jstor.org/stable/24482836>
- Zabihi-Moghaddam, S. (2017). Spousal Equality in Baha'i Law: The Emergence of Provisions on the Dissolution of Marriage in Iran, 1954–1873. *Journal of Women's History*, 160-137 , (3) 29. <https://muse.jhu.edu/article/669048>





ISBN 978-2-9701760-0-8



9 782970 176008 >